

نقد دیوان‌ها و گزیده‌های اشعار رودکی منتشر شده در ایران

دکتر مهدی حیدری*

چکیده

رودکی پژوهی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد، اما تحقیقات معاصران ما در زمینه اشعار رودکی هنوز کامل نیست. در این مقاله برآنیم تا ابتدا به دیوان‌های چاپ شده در ایران، یعنی کتاب *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی*، اثر سعید نفیسی، *دیوان شعر رودکی* با شرح و توضیح جعفر شعار، و *دیوان رودکی* با شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه، نصرالله امامی و کامل احمدنژاد نگاهی بیفکنیم و سپس گزیده‌های اشعار رودکی منتشر شده در ایران را نقد و بررسی کنیم؛ در این خصوص به کتاب‌های مهم و درسی این حوزه، یعنی *گزیده سخن پارسی ۲ رودکی* به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، *گزیده اشعار رودکی* با پژوهش و شرح جعفر شعار و حسن انوری، *برگزیده اشعار رودکی و منوچهری تألیف اسماعیل حاکمی*، *بهترین رودکی همراه با اشعار نویافته*، به تدوین محمدعلی سپانلو، *استاد شاعران رودکی (شرح حال و گزیده اشعار)*، تألیف نصرالله امامی، و *پیشگامان شعر فارسی* اثر دکتر نصرالله امامی خواهیم پرداخت. البته در این زمینه، کتاب‌هایی مورد نظر است که بخش اعظم و مهمی از آن‌ها به رودکی اختصاص دارد و موضوع پیشاهنگان و پیشگامان نظم فارسی به طور عموم و مطلق مطرح نیست. در واقع، نقد کتاب‌هایی از این دست و همچنین دیوان‌های ترتیب داده شده از اشعار رودکی در خارج از ایران (به خصوص در تاجیکستان) مجال دیگری می‌طلبد. در این مقاله برآنیم تا با مقایسه شروح و گزیده‌ها با یکدیگر، نقاط ضعف و قوت هر یک را در راستای آموزش بیابیم و در خلال این قیاس‌ها، معانی ابیات مبهم و مشکلات اشعار رودکی را تا حد ممکن روشن سازیم.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد (m.heidari@yazd.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۹

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۳۱-۱۵۹

کلید واژه‌ها

شعر، رودکی، نقد، دیوان، گزیده.

مقدمه

رودکی، به عنوان پدر شعر فارسی، سهم بسزایی در شکل‌گیری شعر فارسی دارد و بخشی از تحقیقات معاصران ما بدو اختصاص یافته است؛ با این همه متأسفانه هنوز چاپ منقحی همراه با توضیحات کافی از دیوان او ارائه نشده است. رودکی پژوهی علاوه بر ایران در کشورهای دیگر به خصوص تاجیکستان هم رونق داشته است، لذا به منظور نقد آثار منتشرشده در تاجیکستان و شوروی (سابق) باید مقاله ویژه‌ای در نظر گرفت (جهت آگاهی از کتب و مقالات منتشرشده در زبان‌های مختلف رجوع کنید به: همایونفرد، ۱۳۶۵: ۹-۱۱۶؛ میرزا ملا احمد، ۱۳۸۷: ۵۲-۵۳). همچنین بخشی مختص به رودکی در اغلب کتاب‌های تاریخ ادبیات و پیشگامان شعر فارسی وجود دارد که بررسی این قسمت‌ها نیز مجال جداگانه می‌طلبد.

به طور کلی نقد جریان‌شناختی آثار آموزشی ترتیب داده شده بر محور اشعار رودکی در مقالات معاصران ما پیشینه چندانی ندارد. نگاه جزئی‌نگر، نکته‌بین و در عین حال چندبُعدی به آثار درسی این حوزه در مقالات علمی به ندرت دیده می‌شود، هر چند برشمردن نام کتب و منابع پژوهشی در مقالاتی مشاهده می‌گردد (ر.ک.: نوربخش، ۱۳۸۷: ۹۵-۱۰۵) و در برخی از مقالات نیز یکی از کتاب‌های درسی این حوزه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است (ر.ک.: یثربی، ۱۳۱۰: ۱۹۹-۲۰۵؛ گیتی‌فروز و کرامت، ۱۳۹۲: ۸۷-۹۲؛ اخیانی، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۹؛ یاری گل‌دره، ۱۳۹۳: ۸-۱۳)، لیکن نگاه جریان‌شناختی به سلسله گزیده‌ها و دیوان‌ها کمتر صورت پذیرفته است.

اغلب مقالات مطرح حوزه رودکی پژوهی در ایران به نکات زندگی و آثار رودکی (ر.ک.: دبیرسیاقی، ۱۳۳۴: ۳۲۰-۳۲۴؛ مینوی، ۱۳۳۶: ۲۶۵-۲۷۸؛ فروزانفر، ۱۳۳۸: ۹۳-۱۱۶؛ معین، ۱۳۳۸: ۵۳-۵۵؛ همائی، ۱۳۳۸: ۴۰-۴۸؛ نفیسی، ۱۳۳۸: ۲۱-۳۹؛ صورتگر، ۱۳۴۳: ۲۹؛ وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۲۶-۴۰؛ شمیسا، ۱۳۸۷: ۳۳۹-۳۴۱؛ ابومجوب، ۱۳۸۷: ۲۶-۳۱)، توضیح مفاهیم اشعار رودکی (ر.ک.: حائری، ۱۳۳۸: ۴۹-۵۴؛ سایه، ۱۳۸۶: ۹۴؛ ۱۳۷۸: ۱۷۱-۱۸۰؛ بهنام، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۷؛ منصور، ۱۳۸۷: ۷۹-۹۴)، توضیح صناعات ادبی و نکات موسیقایی در شعر رودکی (فرزاد، ۱۳۴۹: ۴۶۵-۴۹۸؛ زرین‌کوب، ۱۳۵۵: ۱۰۵-۱۱۶؛ طالبیان، ۱۳۸۲: ۱۷۹-۱۹۰؛ اسپرهم، ۱۳۸۸: ۱۰۷-۱۳۰؛ آذر، ۱۳۸۸: ۱۳-۴۴)، مقایسه تطبیقی

اشعار رودکی و دیگر شاعران (ر.ک.: قاسمی گل افشانی، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۵؛ توکلی، ۱۳۸۷: ۲۲-۶۶؛ ساکی، گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۵۶؛ محسنینیا و مریمی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۳۷؛ نجاریان و کهدویی، ۱۳۹۰: ۲۵۹-۲۸۰؛ مشتاق‌مهر، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۷۴؛ مشککی، ۱۳۹۳: ۷-۲۲)، معرفی ابیاتی نویافته از وی (ر.ک.: ارشادسرابی، ۱۳۷۰: ۱۴۶-۱۵۳؛ صادقی، ۱۳۷۲: ۶-۱۴؛ نوشاهی، ۱۳۸۹: ۳۰-۳۲) یا حل مشکل یک بیت از اشعار او اختصاص داشته است (ر.ک.: خیرخواه، ۱۳۸۵: ۵۹-۶۱؛ شیلا، ۱۳۸۵: ۱۸-۲۱؛ قاسمی، ۱۳۸۸: ۸۴-۸۸؛ صباغی و حیدری، ۱۳۹۴: ۲۱-۳۲).

قطعاً تأمل در زندگی، آثار، مفاهیم، زبان و موسیقی ابیات رودکی از ضروری‌ترین مسائل رودکی‌شناسی است و نقد و بررسی کتاب‌های درسی این حوزه به طور جداگانه نیز ضرورتی انکارناپذیر است. اما در حال حاضر ارائه طرحی کلی و جامع از کتاب‌های مهم درسی در این حوزه توأم با نگاهی نکته‌بین از موارد فوق ضروری‌تر به نظر می‌رسد و می‌تواند به روشن شدن مفهوم بسیاری از ابیات مشکل رودکی نیز کمک کند، ضمن آنکه تلاش شارحان برای حل این مشکلات در مقایسه با هم بهتر آشکار می‌شود. در این مقاله ضمن نگاه کلی به این آثار برآنیم تا ابیات مبهم و مشکلات اشعار رودکی را در مقایسه شروع با هم و با استنتاجات ادبی و زبانی روشن سازیم. در بخش اول این مقاله قصد داریم به سراغ دیوان‌های چاپی از اشعار رودکی برویم و آن‌ها را معرفی می‌کنیم و در بخش دوم به گزیده‌های منتشر شده در ایران پردازیم.

دیوان‌ها

۱. محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی از سعید نفیسی

این کتاب قدیم‌ترین نسخه چاپی از مجموعه اشعار رودکی است که برای نخستین بار در سال ۱۳۰۶ گردآوری شده و در سال‌های ۱۳۰۹، ۱۳۱۰ و ۱۳۱۹ در ۳ جلد به چاپ رسیده است. برخلاف آثار دیگر نقد شده در این مقاله، هدف سعید نفیسی - به عنوان اولین ترتیب‌دهنده دیوان رودکی - ارائه کتابی درسی و آموزشی نبوده است و لذا نداشتن تعلیقات و یا وجود بخش‌های تاریخی مفصل در مقدمه، نقضی برای این مجموعه محسوب نمی‌شود. کتاب اول این مجموعه اندر احوال رودکی و کتاب دوم آن اندر آثار رودکی و کتاب سوم اندر اشعار رودکی است. مرحوم سعید نفیسی در کتاب اول، بخش مفصلی به معرفی محیط زندگی رودکی، یعنی موقعیت جغرافیایی ماوراءالنهر (به خصوص دو شهر سمرقند و بخارا) و اوضاع تاریخی سامانیان پرداخته‌اند و در ادامه به زندگی رودکی نیز

اشاره کرده‌اند. در کتاب دوم درباره تعداد ابیات و آثار رودکی بحث شده و از قصاید، رباعیات و مثنوی‌های این شاعر بزرگ سخن به میان آمده است. سپس در کتاب سوم ایشان از ۹۳ منبع شامل کتب ادبی، تاریخی، تذکره‌ها، سفینه و غیره یاد کرده‌اند که ابیاتی از رودکی در آن‌ها موجود بوده است و بر اساس این منابع، اشعار رودکی را جمع و تصحیح کرده‌اند.

ذکر احوال رودکی در این کتاب با چنان تفصیلی صورت گرفته که موجب تأثیرگذاری بر پژوهشگران بعدی شده و دیگران همه از این کتاب سعید نفیسی بهره‌های فراوان برده‌اند؛ با وجود این، اشکالاتی در ضبط اشعار رودکی در این کتاب دیده می‌شود که برخی از آن‌ها از این قرار است:

• برخی ابیاتی که در این کتاب به رودکی نسبت داده شده، با توجه به تحقیقات پژوهشگران دیگر، از وی نیست و در اشعار شاعران دیگر نظیر سوزنی، ناصر خسرو، طیان، بوشکور، عمارة مروزی، مسعود سعد، ابوالعباس عنبر، کسایی، منجیک، عنصری، علی قرط، شهیدی، شاکر بخاری، دیباجی، دقیقی، خسروی، حقان، فخرالدین گرگانی، لیبی، قطران و فرخی نیز دیده می‌شود (ر.ک.: رودکی، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۱۸؛ رودکی، ۱۳۹۲: ۱۰۳-۱۳۱؛ رودکی، ۱۳۸۷، مقدمه امامی: ۸-۱۱).

• برخی اشعار از رودکی در منابع دیگر وجود داشته که مرحوم نفیسی به هر دلیل موفق به جمع آوری آن‌ها نشده است (ر.ک.: سپانلو، ۱۳۹۰، ۲۱۶-۳۰۳؛ رودکی، ۱۳۸۷، مقدمه امامی: ۷).

• در بسیاری از ابیات ضبط غلط و نامفهومی از شعر رودکی دیده می‌شود که نیاز به تصحیح مجدد ابیات را ضروری جلوه می‌دهد. اینک، برای مثال، به برخی از این ابیات و ضبط درست احتمالی‌اش (بر اساس شروح و گزیده‌های دیگر) اشاره می‌کنیم:

ضبط نفیسی: از آن جان تو لختی خون فسرده / سپرده زیر پای اندر سپارا (نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۹۱).

ضبط صحیح احتمالی: از آن جان‌توز لختی خون رز ده / سپرده زیر پای اندر سپارا (شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

ضبط نفیسی: چو پوست روبه بینی به خان واتگران / بدان که تهمت او دنبه‌ای به سرکار است (نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۹۴).

ضبط صحیح احتمالی: چو پوست روبه بینی به خان واتگران / بدان که نهمت او دنبه‌ای به شد کار است.

ضبط نفیسی: اساس طبع ثنایست بل قوی‌تر از آن / ز آلت سخن آمد همی همه
مانید (نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۰).

ضبط صحیح احتمالی: اساس طبع بیایست بل قوی‌تر از آن / ز آلت سخن آمد همی
همه مانید (حقوقی، ۱۳۳۸: ۱۶۴).

ضبط نفیسی: رک که با اندشار بنمایی / دل تو خوش کند به خوش گفتار (نفیسی،
۱۳۴۱: ۵۰۱).

ضبط صحیح احتمالی: رگ که با پیشیار بنمایی / دل تو خوش کند به خوش گفتار
(رودکی، ۱۳۸۳: ۳۰).

ضبط نفیسی: گیردی آب جوی رز پندام / چون بود بسته بنک راه ز خس (نفیسی،
۱۳۴۱: ۵۰۳).

ضبط صحیح احتمالی: گیردی آب جوی رز پندام / چون بود بسته نیک راه ز خس
(رودکی، ۱۳۹۱: ۵۷).

ضبط نفیسی: گرگ را کی رسد صلابت شیر؟ / باز را کی رسد نهیب شخیش؟
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۴).

ضبط صحیح احتمالی: گرگ را کی رسد ملامت شاة / باز را کی رسد نهیب
شخیش (شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۰۱؛ رودکی، ۱۳۹۱: ۵۷).

ضبط نفیسی: هست بر خواجه پیخته زفتن / راست چون بر درخت پیچد سن
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۵).

ضبط صحیح احتمالی: هست بر خواجه پیخته (پیچده) رفتن / راست چون بر
درخت پیچد سن (شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۹۸).

البته اشعار گردآوری شده از سوی مرحوم نفیسی بعدها با نسخه چاپی براگینسکی
نیز مطابقت یافت و این سبب شد که کتاب‌هایی به گردآوری دیوان رودکی براساس چاپ
نفیسی و براگینسکی روی بیاورند. تعداد این رونویسی‌ها در ایران زیاد است که جز امتیاز
تجاری سود دیگری ندارد. یکی از این کتاب‌ها دیوان رودکی سمرقندی چاپ انتشارات
نگاه است که بسیار ضعیف طبع شده و پر از غلط‌های نگارشی و مطبعی است (ر.ک.:
رودکی، ۱۳۷۶: ۶۴-۱۹۰).

حجم مفصل کتاب مرحوم نفیسی و اشکالات آن در دهه ۷۹ برخی از پژوهشگران
را بر آن داشت تا چاپ‌های جدیدی از دیوان رودکی ارائه بدهند که در ادامه به چهار
کتاب اشاره می‌کنیم.

۲. دیوان شعر رودکی، با پژوهش، تصحیح و شرح جعفر شعار

این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۷۸ و در ۱۹۶ صفحه به طبع رسیده است. مقدمه این اثر بسیار مختصر است و نویسنده تنها در چهار صفحه درباره معرفی این کتاب و زندگی رودکی سخن گفته است و از این نظر منبع درسی مناسبی به حساب نمی آید. اساس این تصحیح همان پژوهش سعید نفیسی است با تغییراتی در ساختار ارائه مطالب و افزودن اشعار نویافته رودکی به کمک مقاله علی اشرف صادقی (۱۳۷۲). برخی از اشعار منسوب و ملحق به دیوان رودکی نیز در این طبع مشخص شده است (ر.ک.: شعار، ۱۳۹۲: ۷-۱۰؛ یاری گل دره، ۱۳۹۳: ۸). مؤلف، اشعار رودکی را در شش بخش (قصیده و غزل و قطعه، مثنوی، دوبیتی و رباعی، تک بیت‌ها، اشعار منسوب و ملحق و کلیله منظوم) دسته‌بندی کرده و توضیحات ابیات هر شعر را دقیقاً در همان صفحه و مقابل بیت نگاشته که این امر پسندیده، دسترسی دانشجویان را به تعلیقات مؤلف آسان‌تر ساخته است. نویسنده مدعی است با در پیش گرفتن الگویی علمی، با اذعان به مبهم بودن ابیات در برخی موارد، از ارائه شرح خودداری کرده و در مواردی نیز به توضیح گره‌گشا و مختصر بسنده کرده است (ر.ک.: رودکی، ۱۳۹۲، مقدمه شعر بر رودکی: ۶). شعار در ارائه نسخه بدل، تنها به ذکر موارد مشکل‌گشا پرداخته و از ذکر همه نسخه‌بدل‌ها خودداری کرده است.

البته این ادعای مؤلف در همه موارد صادق نیست. وی در توضیح بسیاری از ابیات به ساده‌نگری روی آورده و معانی برخی ابیات را روشن تصور کرده است؛ مثلاً در خصوص بیت زیر هیچ توضیحی نداده و کلمه پایانی بیت را «مدام» فرض کرده؛ واژه‌ای که در سرتاسر دیوان رودکی کاربرد نداشته است:

هلا رودکی از کس اندر متاب بکن هر چه کردنی است با مدام
(رودکی، ۱۳۹۲: ۳۲)

نگارنده بسیاری از توضیحات و تعلیقات خود را در گزیده منتشر شده با همکاری حسن انوری نیز گنجانده و حتی صورتی پیراسته‌تر بدان‌ها داده است که در خصوص برخی از این توضیحات ذیل معرفی گزیده اشعار مذکور سخن خواهیم گفت. یکی از امتیازات مهم دیگر این کتاب تهیه دو پیوست لازم، یعنی نمایه عام و بیت‌نماست که به صورت مفصل در انتهای کتاب آمده و راهنمای بسیار خوبی برای رودکی‌پژوهان است.

در مجموع می‌توان گفت کتاب مذکور از حیث ضبط ابیات رودکی، کیفیت صوری نگارش شرح و ارائه نمایه‌ها ممتاز است، اما در شرح و تعلیق اشکالات مهمی دارد و مقدمه آن نیز بسیار مختصر و ضعیف است.

۳. دیوان رودکی، با شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه

این کتاب در سال ۱۳۷۳ با همت انتشارات توس به چاپ رسید. در این کتاب منوچهر دانش‌پژوه، استاد مرحوم دانشگاه علامه طباطبایی، مقدمه‌ای بسیار کوتاه در معرفی رودکی آورده و سپس اشعار به جای مانده از رودکی را از روی ضبط سعید نفیسی و البته با به‌کارگیری تصحیح شخصی عرضه کرده است. دانش‌پژوه نوع باب بندی دیوان را نیز مشابه با سعید نفیسی (البته با تغییراتی اندک) انجام داده و نیز اشعاری را که از رودکی نیست، مطابق با ضبط نفیسی بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به الحاقی بودنشان در کتاب گنجانده است. او در انتهای کتاب ۳۸۸ نکته در توضیح اشعار رودکی ارائه داده که برخی از آن‌ها از ابهامات دیوان رودکی نمی‌کاهد و بیشتر توضیح واضح‌تر است، البته در مواردی علاوه بر اینکه توضیحات وی معنی بیت را روشن نمی‌کند، بر ابهام آن می‌افزاید. برای مثال به برخی از این ابیات اشاره می‌کنیم:

می‌آرد شرف مرد می، پدید و آزاده‌نژاد از درم خریسد
(رودکی، ۱۳۸۳: ۲۵)

این ابیات رودکی در ستایش «می» است، اما دانش‌پژوه بدون توجه به ستایشی بودن شعر، می‌خوارگی را موجب آبروریزی و بی‌شرافتی دانسته و نوشته است: «می شرف انسان را پدیدار می‌کند، چون می‌خواره ممکن است دست به کارهایی بزند که موجب ریختن آبرویش می‌شود» (رودکی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

وی در مورد دو بیت زیر از رودکی که معنایی را درباره «ریواس» مطرح می‌کند نیز توضیح کافی ارائه نکرده و حتی جواب چیستان (ریواس) را هم نداده است:

آن چیست بر آن طبق همی تابد چون ملحم زیر شعر عَنّابی
ساقش به مثل چو ساعد حورا پایش به مثل چو پای مرغابی
(رودکی، ۱۳۸۳: ۳۳)

دانش‌پژوه در تعلیقات، فقط به معانی واژگان ملحم، شعر و عَنّابی (از روی فرهنگ معین) اشاره کرده و نه چیستان را توضیح داده و نه جوابش را ارائه کرده است (ر.ک.: رودکی، ۱۳۸۳: ۱۱۰).

این کم‌گویی در حالی رخ داده که دانش‌پژوه در مواردی برای توضیح برخی اصطلاحات ابتدایی نظیر قصیده به اطالۀ کلام روی آورده و چندین صفحه از کتاب خود را بدان اختصاص داده است (ر.ک.: رودکی، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۲).

دانش‌پژوه مانند اکثر توضیح‌نویسان اشعار رودکی، از این بیت مشهور وی نیز توضیحی نادرست ارائه کرده است:

خورشید ز ابر تیره دمد روی گاه گاه چونان حصاری ای که گذر دارد از رقیب
(رودکی، ۱۳۸۳: ۳۶)

وی نوشته است: «خورشید از لابه لای ابر گاهی صورت خود را نشان می دهد، مانند یک زندانی که چشم مراقب نگهبان خود را می پاید و از دریچه محبس سر می کشد» (رودکی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). در حالی که رودکی با به کار بردن حرف اضافه «از» پیش از کلمه «رقیب» بر ما ابلاغ می کند که منظورش گذر نگهبان بر زندانی است؛ یعنی خورشید مانند فردی زندانی گاهی از پشت ابرها که همچون زندانبانی هستند، آشکار می شود؛ زندانی ای که از نگهبان گذر دارد (نگهبان در مقابل او راه می رود و پاس می دهد).

این کتاب به دلیل مقدمه ضعیف نمی تواند یک منبع درسی خوب در حوزه رودکی شناسی در دانشگاه ها به حساب آید. تعلیقات آن نیز بسیار سلیقه ای و تنها بر ابیات مورد نظر شارح نوشته شده و مشکلات ابیات رودکی در آن حل نشده است. شایان ذکر است برای عرضه یک کتاب آموزشی نیاز است ابتدا احوال شاعر و نویسنده در مقدمه به صورت دقیق و البته نه چندان حجیم ذکر شود و در تعلیقات نیز پس از معنی کردن واژگان دشوار (برای فهم دانشجویان) از لغت نامه، معنای نهایی ابیات مبهم تبیین گردد؛ آوردن نمایه موضوعی و ذکر اعلام و واژه نامه در پایان کتاب، دسترسی به مطالب آن را برای دانشجویان و پژوهشگران آسان تر خواهد کرد.

۴. دیوان رودکی، با تصحیح و توضیح نصرالله امامی

نصرالله امامی دیوان مذکور را پس از انتشار کتاب *استاد شاعران رودکی* نگاشته است. لذا مشابهت هایی میان توضیح برخی ابیات در این کتاب ها دیده می شود که ذیل گزیده مذکور بدان پرداخته ایم. امامی در این اثر برخی نویافته های اشعار رودکی را نیز گنجانده اما به مقاله علی اشرف صادقی توجهی نکرده است. مهم ترین امتیاز این اثر آن است که مؤلف، منابع و مآخذ اشعار رودکی و ملحقات دیوان وی را با نگاهی انتقادی اعتبارسنجی کرده، چنان که خود در مقدمه نوشته است: «آنچه شاید در پژوهش حاضر بتواند تا حدی راه گشا باشد، جنبه نقادی متن و منابع است تا درجه اعتبار و میزان صحت سرودهای یافته شده، بهتر معلوم گردد» (رودکی، ۱۳۸۷: ۷). در مجموع هر چند این اثر به علت برخی دقت های علمی، پژوهش ارزنده ای به شمار می رود، اما در مقایسه با کتاب *استاد شاعران رودکی* از همین مؤلف، جنبه آموزشی کم رنگ تری دارد. در اثر مذکور اشکالات و کاستی هایی در زمینه غلط های مطبعی و نیز در توضیح ابیات مشاهده می شود که آقای

سهیل یاری گل‌دره در مقاله ارزشمندی در کتاب *ماه ادبیات* بدان‌ها پرداخته‌اند که جهت عدم تطویل خوانندگان محترم را به این مقاله ارجاع می‌دهیم (یاری گل‌دره، ۱۳۹۳: ۸-۱۳).

۵. دیوان رودکی، با شرح و توضیح کامل احمدنژاد

این کتاب از سوی انتشارات کتاب آمه در سال ۱۳۹۱ برای نخستین بار چاپ شده است. احمدنژاد در مقدمه این کتاب، علاوه بر شرح مختصر احوال رودکی، توضیحات مفصلی درباره‌ی صور خیال و آرایه‌های ادبی در شعر رودکی ارائه کرده که قابل توجه است. وی سپس اشعار رودکی را بر اساس قالب‌ها دسته‌بندی کرده و اشعار منسوب و ملحق رودکی را نیز در فصلی جداگانه گنجانده است. او در انتهای کتاب، ۴۴ صفحه به توضیح نکات ابیات رودکی اختصاص داده است که مطالب و نکات ارزشمندی در آن به چشم می‌آید. با این همه شرح وی نیز خالی از اشکال نیست که به چند مورد از آن‌ها در اینجا اشاره می‌شود:

هلا رودکی از کس اندر متاب بکن هر چه کردنی است با مدام
(رودکی، ۱۳۹۱: ۵۸)

احمدنژاد در شرح این بیت «مُدام» را شراب معنی کرده و نوشته است: «ای رودکی از کسی آزرده نشو و مشکلت را با شراب حل کند» (رودکی، ۱۳۹۱: ۱۳۲). البته پیداست که نوشته غلط مطبعی دارد و احتمالاً «حل کن» در توضیح ایشان صحیح است، اما اشکال اصلی شرح این بیت به کلمه مُدام برمی‌گردد که در سرتاسر ابیات برجای مانده از رودکی هیچ‌جا در معنی شراب به کار نرفته است و ظاهراً تصحیفی در ضبط این کلمه صورت گرفته که معنا و وزن آن را مبهم کرده و نگارنده این مقاله نیز با وجود مشورت با استادان بزرگ رودکی‌پژوهی در ایران، هنوز به ضبط صحیح این بیت نرسیده است.

خود بدویدی بسان پیک مرتب خدمت او را گرفته چامه به دندان
(رودکی، ۱۳۹۱: ۶۱)

احمدنژاد هر چند از ارائه توضیح برای نکات واضح پرهیز داشته است، اما در مواردی به نکات ضروری و لازم در شرح اشاره نکرده است. برای مثال وی در بیت مذکور، اصطلاح «پیک مرتب» را که از اصطلاحات سیاسی و اداری عصر سامانی و غزنوی است، بدون هیچ‌گونه توضیحی رها کرده است (ر.ک.: رودکی، ۱۳۹۱: ۳۶).

چو پوست روبه بینی به خان واتگران بدان که تهمت او دنبه‌ای به شُدکار است
(رودکی، ۱۳۹۱: ۶۸)

اولین اشکال این بیت در ضبط کلمه «تهمت» است که هیچ معنای محصلی ندارد و به احتمال زیاد «نهمت» (به معنی نهایت همت و آرزو) بوده است و عیب دیگر به شرح مؤلف برمی‌گردد که تنها به توضیح معنی واژگان «واتگر» و «شدکار» بسنده کرده و هیچ توضیح دیگری - که به فهم نهایی بیت کمک کند - نيفزوده است (ر.ک.: رودکی، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

اساس طبع بپایست نک قوی‌تر از آن ز آلت سخن آید همی همه مانید
(رودکی، ۱۳۹۱: ۶۹)

احمدنژاد در این بیت ضبط دهخدا را پذیرفته و هرچند احتمال تصحیف داده، اما واژه محل اشکال را «بپایست» ضبط کرده و نوشته است: «ظاهراً رودکی می‌خواهد بگوید: الفاظ، کافی برای ادای همه معانی و مقاصد نیست» (رودکی، ۱۳۹۱: ۱۴۱). هرچند منظور نهایی درست بیان شده اما مفهوم کلمه بپایست با توجه به مصراع دوم کاملاً مبهم است و احتمالاً ضبط صحیح این واژه «ببایست» است، زیرا هر معنی از این مصراع تنها با این کلمه سازگار است.

احمدنژاد در مواردی نیز به نقل قول از دیگران پرداخته که در ارجاع به سخن آن‌ها کوتاهی کرده و از روش علمی خارج شده است؛ برای مثال درباره کلمه «ساکام» در بیتی از رودکی نوشته است: «ظاهراً تحریف "به ناهنگام" است. (صادقی)» (رودکی، ۱۳۹۱: ۱۴۲). چنان‌که می‌بینیم ارجاع بدون اشاره به نام کتاب و سال چاپ و صفحه صورت گرفته و در کتاب‌نامه پایانی اثر نیز هیچ‌گونه ذکر از شخصی با نام صادقی به میان نیامده است (ر.ک.: رودکی، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۶۵). ظاهراً منظور نگارنده مقاله «اشعار تازه رودکی» از علی اشرف صادقی بوده (ر.ک.: صادقی، ۱۳۷۲: ۷)، اما این کلی‌گویی در ارجاع، شیوه بسیار نادرستی در کتاب‌های آموزشی است، به خصوص اینکه کتاب مذکور برای دانشجویان جدیدالورود رشته زبان و ادبیات فارسی تألیف شده است و یقیناً ضعف در روش ارجاع، تأثیر سوئی بر دانشجویان در تلقی غیرعلمی از نگارش کتاب خواهد داشت. با همه این تفصیلات، کتاب مذکور یکی از بهترین کتاب‌های درسی این حوزه به‌شمار می‌آید. هرچند مقدمه این اثر بیهوده مفصل گردیده است و با توجه به اینکه دانشجویان در واحدهای معانی و بیان و بدیع به طور جداگانه و مفصل به مبحث آرایه‌های ادبی می‌پردازند، ارائه نمونه از اشعار رودکی در این مقدمه ضروری به نظر نمی‌رسد. در تعلیقات نیز بهتر است به جای صرف نظر کردن از توضیح ابیات مبهم، به ابهام آنها اشاره شود تا شاید دانشجویان خود به سراغ حل مشکل بیت بروند و به معنی دقیق‌تری دست پیدا کنند.

گزیده‌های اشعار

علاوه بر دیوان‌های مذکور، چندین گزیده نیز از اشعار رودکی ترتیب داده شده است که شاید غالباً جهت تدریس درسی ۲ واحدی در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی با عنوان «رودکی و منوچهری» گردآوری شده باشد. البته این درس در سال‌های اخیر عنوان «پیشگامان نظم فارسی» به خود گرفته و چندین شاعر دیگر نیز بدین مجموعه اضافه شده است؛ با این همه، گزیده‌های مذکور همچنان برای تدریس بخشی از این درس مفید است. در ادامه به نقد و بررسی اجمالی این گزیده‌ها می‌پردازیم.

۱. گزینۀ سخن پارسی ۲ رودکی، اثر خلیل خطیب رهبر

این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۴۳ به عنوان نخستین گزیده شعر رودکی منتشر شد و در سال ۱۳۶۸ نیز ویرایشی جدید یافت. خلیل خطیب رهبر به عنوان یکی از مشهورترین شارحان متون ادبی در این کتاب نیز مانند شروع دیگر خود به شیوه‌ای مدرسه‌ای عمل کرده است؛ بدین معنی که وی توضیحات را به نحوی ارائه کرده که حتی یک دانش آموز دبیرستانی هم بتواند از کتاب استفاده کند؛ مثلاً او حتی از معنی کردن واژگانی نظیر غریب به معنی نو و نادر یا درمان به معنی علاج نیز ابایی نداشته است (ر.ک.: خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۱۴ و ۲۶). خطیب رهبر پس از مقدمه‌ای بسیار کوتاه به متن پرداخته و اشعار را مطابق ضبط سعید نفیسی گردآوری کرده است. البته وی در مواردی به تصحیح قیاسی نیز پرداخته که باعث گمراهی بیشتر مخاطب شده است؛ برای مثال بیت زیر در نسخه نفیسی بدین گونه ضبط شده:

خود خور و خود ده کجا نبود پشیمان هر که بداد و بخورد از آن چه که بلفخت
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۹۳)

در حالی که خطیب رهبر بیت را این گونه آورده است:

بخور و بنده که پر پشیمان نبود هر که بداد و بخورد از آن که بلفخت
(خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۱۶)

چنان که می‌بینیم تغییرات خطیب رهبر، مصراع نخست را کاملاً مخدوش کرده و حتی وزن آن را به هم زده و مصراع دوم را نیز با تحوّل معنایی مواجه کرده است. این نکته در حالی است که وی در پاره‌ای از موارد بر ضبط غلط سعید نفیسی تکیه کرده و به بیراهه رفته است؛ چنان که او مانند سعید نفیسی و اکثر شارحان شعر رودکی، «چشمش» را در مصراع دوم بیت زیر «چشم» ضبط کرده و موجب بی‌معنی شدن مفاخره رودکی درباره زیبایی

خودش شده است:

بسا نگار که حیران بُدی بدو در چشم به روی او در، چشم همیشه حیران بود
(خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۲۷)

خطیب رهبر در مواردی نیز در شرح بیت دچار اشتباه شده؛ برای مثال او در توضیح بیت زیر از رودکی نوشته است:

باد و ابر است این جهان فسوس باده پیش آر هر چه بادا باد
(خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۱۹)

«و» برای بیان معنی مقابله است؛ یعنی در برابر، در مقابل. وی با اینکه برای واو مقابله مثال آورده و حتی بیت شاهد مثال را توضیح داده است، هیچ شرحی بر معنی نهایی این بیت ننوشته و مشخص نیست که منظور وی از باد در مقابل ابر (نه ابر در مقابل باد) چیست. به نظر می‌رسد واو به کار رفته در این بیت از نوع واو عطف است و معنی آن نیز روشن است که این جهان، همچون باد و ابر گذراست و خطیب رهبر درباره این بیت تشخیصی نادرست داده است.

خطیب رهبر گاه از برخی لغات و ترکیبات نیز معنای درستی ارائه نداده چنان‌که «خورده کریز» به معنی پرریخته و لکنته (ر.ک.: رودکی، ۱۳۹۱، توضیحات احمدنژاد: ۱۳۱) را در بیت زیر از رودکی، «طعمه خوار و جان شکار» معنی کرده است.

همی بر آیم با آن که بر نیاید خلق و بر نیایم با روزگار خورده کریز
(خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۳۵)

او همچنین مانند اکثر شارحان اشعار رودکی در توضیح بیت زیر از قصیده مشهور رودکی دچار اشتباه شده است:

همان که درمان باشد به جای درد شود و باز درد همان کز نخست درمان بود
(خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۲۶)

خطیب رهبر مصراع دوم را تأکید و تکرار مفهوم مصراع اول دانسته است، یعنی چیزی که مایه درمان بود، سبب درد خواهد شد (ر.ک.: خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۲۶). در حالی که شاعر می‌خواهد به تحولات دنیا اشاره کند و اینکه درمان ابتدا جای درد را می‌گیرد اما پس از مدتی خودش دردی تازه می‌آفریند و واژه «باز» در ابتدای مصراع دوم حاکی از غیر تکراری بودن مفهوم دو مصراع است. البته شاید بتوان مصراع دوم را به شکل «باز درد» (یعنی به سوی درد) هم خواند که تغییری در معنا ایجاد می‌کند.

در برخی از موارد نیز توضیحات خطیب رهبر، بیتی آسان از رودکی را بسیار

مشکل‌تر کرده است. برای مثال به بیت زیر و شرح خطیب رهبر بر آن بنگرید:
زندگانی چه کوتاه و چه دراز نه به آخر بمرد باید باز
(خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۳۳)

معنی بیت: عمر چه کوتاه باشد چه دراز، آیا دوباره از این صورت معدوم نخواهی شد، چنان که پیش از این نشئه هم این صورت و هیئت را نداشتی، یعنی از این صورت معدوم بودی، پس به این صورت موجود شدی و دوباره از این صورت معدوم خواهی شد (خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۳۳).

چنان که می‌بینیم توضیحات مرحوم خطیب رهبر نه تنها مشکلی از این بیت حل نمی‌کند که چه بسا فهم بیت رودکی بسیار آسان‌تر از فهم این جملات و توضیحات زائد آن است.

به هر روی نکات ذکر شده از ارزش‌های اثر مرحوم خطیب رهبر و کار شگرف شرح نویسی او نمی‌کاهد و کار وی به عنوان نخستین گزیده اشعار رودکی همچنان جایگاه خود را بر پهنه رودکی پژوهی حفظ کرده است. به طور کلی در گزیده‌هایی از متون منظوم و منثور گذشته که برای آموزش تدوین می‌گردد، مختصر بودن، ذکر قسمت‌هایی که از نظر زیبایی‌شناسی ممتاز هستند و آوردن ابیات یا جملاتی که از نظر سبک‌شناسی، اصول کلی مؤلف را پدیدار می‌سازند، در اولویت قرار دارد و مرحوم خطیب رهبر در اکثر شروح خود به این مهم دست یافته است. در حوزه تعلیقه‌نویسی نیز یکی از امتیازات مهم شروح خطیب رهبر ذکر نکات و تعلیقات در پانوشت صفحه مورد نظر است که دسترسی دانشجویان به آن را بسیار آسان می‌سازد و علاوه بر این لغات و ترکیبات و نکات دستوری ابیات معمولاً کامل توضیح داده شده، هرچند نثر نویسنده در ارائه معنی نهایی دیرباب و شاعرانه است.

۲. گزیده اشعار رودکی، با پژوهش و شرح جعفر شعار و حسن انوری
این کتاب از بهترین گزیده‌ها و شروح اشعار رودکی است. نگارندگان ابتدا توضیحات مفیدی درباره زندگی رودکی، محیط و عصر رودکی و کتاب‌شناسی او ارائه کرده‌اند که تا حدودی از کتاب سعید نفیسی به وام گرفته شده است؛ سپس فصول را بر اساس محتوا به اشعار وصفی، مدیحه، رثاء، حسب حال، پند و حکمت و تمثیل، غنائی و عاشقانه، از کلیله و دمنه منظوم، ابیات پراکنده و رباعی، تقسیم بندی کرده و نوعی تبویب جدید از اشعار رودکی عرضه داشته‌اند. از امتیازات دیگر این کتاب دربر داشتن توضیحات واژه‌نامه و

اعلام در انتهای کتاب است که به خصوص برای دانشجویان بسیار مفید است. ارجاع به مقالات و منابع مهم در حوزه رودکی پژوهی نیز از مشخصات دیگر این گزیده است (برای مثال رجوع کنید به: شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۷۶). بخشی از امتیازات این کتاب در شرح به کتاب *دیوان شعر رودکی* اثر جعفر شعار اختصاص دارد که مؤلف به شکلی پیراسته‌تر در این اثر نیز آن‌ها را ارائه کرده است. نگارندگان این کتاب هر چند اغلب از ضبط‌های سعید نفیسی بهره برده‌اند اما گاه با توجه به منابع کار نفیسی، به تصحیح قیاسی روی آورده‌اند و الحق در پاره‌ای موارد به نتایج شایسته‌ای نیز دست یافته‌اند؛ چنان‌که با توجه به وجوه مختلف ضبط‌های این بیت در منابع مختلف نوشته‌اند:

گرگ را کی رسد ملامت شاة باز را کی رسد نهیب شخیش
(شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۰۱)

یعنی ملامتی که گوسفند می‌کند کی به گرگ می‌رسد (همچنان‌که) نهیبی که شخیش می‌زند کی به باز می‌رسد؟ ... در *صحاح الفرس* مصراع اول چنین است: دمنه را کی رسد صلابت شیر (ص ۱۵۳) و «گرگ» در نسخه‌های کهن به شکل «کرک» است که می‌توان آن را «کرگ» (کرگدن) خواند (شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۰۲؛ نیز رجوع کنید به: رودکی، ۱۳۹۲: ۳۱). چنان‌که می‌بینیم نگارندگان این شرح، توضیح کافی و مستندی ارائه داده‌اند و صحت ضبط سعید نفیسی از مصراع اول این بیت، یعنی «گرگ را کی رسد صلابت شیر؟» (ر.ک.: نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۴) را مورد خدشه قرار داده‌اند؛ ضبطی که در شرح برخی دیگر از گزیده‌ها نظیر *استاد شاعران رودکی* از نصرالله امامی نیز دیده می‌شود (ر.ک.: امامی، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

شعار و انوری همچنین در توضیح و شرح ابیات نیز وجوه مختلف از معنی یک بیت را در نظر گرفته‌اند چنان‌که در شرح بیت زیر نوشته‌اند:

آن ملک با ملکی رفت باز زنده کنون شد که تو گویی بمرد
(شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۰۶)

ملک: فرشته یا ملک: خداوند؛ آن ملک: آنچه متعلق به فرشته (عالم فرشتگان) یا خداوند است، یعنی روح؛ ملکی: عالم ملکی، فرشتگی، عالم فرشتگان یا ملکی: عالم خداوندی، عالم مجردات (شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۰۷). هر چند شارحان به معانی مختلف واژه «ملک» توجه داشته‌اند اما بهتر بود که با استفاده از حرکت گذاری هم نشان می‌دادند که تلفظ «ملک» (فرشته) و «ملک» (پادشاه) با هم متفاوت است؛ چیزی که نه در این شرح و نه در شرح‌های دیگر چندان رعایت نشده است (برای آگاهی از نمونه‌های دیگری از بیان وجوه متفاوت از

معنی یک بیت در این شرح رجوع کنید به: شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۱۹، شماره ۱۳).
از سوی دیگر جعفر شعار و حسن انوری در مواردی اشتباهات شارحان دیگر را
تکرار کرده‌اند، از جمله اینکه در توضیح بیت زیر نوشته‌اند:

خورشید را ز ابر دمد روی گاه گاه چونان حصاری‌ای که گذر دارد از رقیب
(شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۶۳)

یعنی گاهی چهره خورشید از پس ابر نمایان می‌شود، مانند کسی که در حصار است و دور از
نظر نگهبان عبور می‌کند (شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۶۴). چنان که پیش‌تر توضیح دادیم گذر
داشتن از رقیب به معنی پاس دادن و گذر کردن نگهبان مقابل زندانی است نه بالعکس.

همچنین این نویسندگان مثل سعید نفیسی و برخی دیگر از شارحان، ضبط «چشم»
را به جای «چشمش» در مصراع دوم بیت زیر برگزیده‌اند که پیش از این درباره بی‌وجهی
ضبط «چشم» سخن گفتیم:

بسا نگار که حیران بُدی بدو در چشم به روی او در چشم همیشه حیران بود
(شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

البته در توضیحات به حدس مینوی از مصراع دوم (چشمش) اشاره کرده و احتمال صحّت
آن را داده‌اند، اما در متن تغییری ایجاد نکرده‌اند.

در مواردی نگارندگان این شرح، ضبط لغت‌نامه دهخدا را بر ضبط سعید نفیسی
ترجیح داده‌اند، اما در نهایت نتوانسته‌اند مناسب ساختار دستوری جمله، شرحی از بیت ارائه
کنند. چنان که در بیت:

باران مشکبوی بیارید نو به نو وز برف بر کشید یکی حله قشیب
(شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۶۵)

جعفر شعار و حسن انوری، ضبط «قشیب» را بر «قصیب» ترجیح داده و نوشته‌اند: در نسخه‌ها
قصیب آمده که معنای مناسبی ندارد. قشیب طبق ضبط لغت‌نامه است؛ یعنی باران پیایی
بارید و از میان برف حله‌ای نو (که همان سبزه و گیاه باشد) بیرون آورد (شعار و انوری،
۱۳۸۹: ۶۵). چنان که می‌بینیم نگارندگان، «از برف حله کشیدن» را «از میان برف حله بیرون
آوردن» معنی کرده‌اند که چندان دقیق به نظر نمی‌رسد و معنی این جمله از نظر دستوری،
زمانی درست خواهد بود که ضبط «برگ» را هم به جای «برف» قرار دهیم تا حله‌ای نو از
برگ پهن گردد.

همچنین نویسندگان این شرح در بیت زیر نیز ضبط لغت‌نامه را بر ضبط نفیسی
ترجیح داده‌اند، اما معنای نهایی دقیق و مرتبگی با این بیت ارائه نکرده‌اند:

رک تو تا پیش یار بنمایی دل تو خوش کند به خوش گفتار
(شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

شعار و انوری همچین گاه در خوانش ابیات مطابق وزن دچار اشتباه شده‌اند، چنان که در بیت زیر بر کلمه «می» تشدید فرض کرده‌اند که وزن بیت را تکمیل نمی‌کند:

مورد بجای سوسن آمد باز می بجای ارغوان آمد
(شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۶۷)

ایشان در توضیح بیت نگاشته‌اند: «می»: تشدید به ضرورت شعری است (شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۶۷). تشدید روی «می» وزن مصراع دوم را کامل نمی‌کند و مصراع نخست نیز با اشکال وزنی باقی می‌ماند، در حالی که اگر تشدید روی حرف «ج» در واژه «بجای» فرض شود، مشکل وزن هر دو مصراع مرتفع می‌گردد (ر.ک.: امامی، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

علاوه بر این، نویسندگان شرح مذکور در توضیح برخی ابیات، برداشت عجیب و نادرستی از برخی واژگان بیت داشته و به تأویلات پیچیده‌ای گرفتار شده‌اند؛ چنان که در بیت زیر «ایغده سرا» (به معنی سرای بیهوده یعنی دنیا) را «ایغده سری» (به معنی این سر ایغده یعنی سبکسار) دانسته‌اند و معنی بیت را به راه‌های دوری کشانده‌اند:

این ایغده سری به چه کار آید ای فتی دریاب دانش، این سخن بیهده مگوی
(شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۲۸)

ای جوان، این سر بیهوده گوی و سبکسار به چه کار می‌آید؟/ دانش بیندوز و این سخن بیهوده را بر زبان میاور (شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۳۰) که به نظر می‌رسد معنی مصراع نخست بدین گونه بهتر باشد: ای جوان، این سرای ایغده و بیهوده (دنیا) به چه کار تو می‌آید؟

شعار و انوری همچین گاه در توضیح برخی ابیات به شرح تلمیحاتی پرداخته‌اند که با محتوای بیت چندان ارتباطی ندارد و تنها ذهن مخاطب را به بیراهه می‌کشاند؛ برای مثال ایشان در توضیح بیت زیر نوشته‌اند:

ور به بلور اندرون بینی گویی گوهر سرخ است به کف موسی عمران
(شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۷۸)

مفهوم مصراع دوم شاید اشاره باشد به روایتی که درباره موسی و فرعون آمده است: آنگاه که موسی (ع) یک‌ساله شد، فرعون ترسید که او دشمن معهود او باشد، اما آسیه انکار کرد و گفت تا بیازم‌ایند. تشتی پر آتش و تشتی پر عناب بیاوردند. موسی به راهنمایی جبرئیل دست سوی آتش برد و بر زبان نهاد و فرعون او را معذور داشت (شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹).

۸۴). هر چند نگارندگان پس از ذکر این واقعه، به ماجرای ید بیضا و بیرون آوردن دست درخشان از گریبان موسی هم اشاره کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد ماجرای نخست کاملاً بی‌ارتباط با بیت است و بسیار دور است که گوهر سرخ استعاره از آتش باشد و آتش خود استعاره از می به خصوص که موسی آتش را بر زبان نهاده و دست در این میان نقش مهمی ایفا نکرده و گویا تلمیح مناسب این بیت همان ماجرای ید بیضای موسی (ع) است و سرخی در این بیت معادل همان درخشندگی است.

این نکته در حالی است که نگارندگان این شرح گاه درباره برخی از ابیات توضیح کافی نداده‌اند؛ چنان‌که در بیت زیر تنها کلمه «بلفخت» را معنی کرده‌اند و درباره معنای نهایی بیت سخنی نگفته‌اند:

خود خور و خود ده، کجا نبود پشیمان هر که بداد و بخورد از آنچه که بلفخت
(شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۲۵ و ۱۲۹)

چنان‌که می‌بینیم مجموعه این محاسن و معایب در گزیده مذکور دیده می‌شود، با این همه شرح فوق همچنان یکی از بهترین گزیده‌ها و شروح اشعار رودکی در پهنه شرح‌نویسی بر شعر فارسی به شمار می‌آید. این گزیده به سبب مقدمه دقیق و مفصل در شرح حال رودکی و ارائه کتاب‌شناسی آثار حوزه رودکی پژوهی، انتخاب موضوعی اشعار رودکی، ذکر نکات مرتبط با آداب و رسوم عصر شاعر، رمزگشایی از برخی معماهای حل نشده در دیوان رودکی و ارائه نمایه موضوعی و اعلام در پایان کتاب در حوزه آموزش بسیار قابل کاربرد و مفید است.

۳. استاد شاعران رودکی (شرح حال و گزیده اشعار)، اثر نصرالله امامی

این کتاب نیز جزء بهترین شروح و گزیده‌های اشعار رودکی است. مزیت اصلی این اثر بر سایر آثار، مقدمه مفصل و دقیق نویسنده در توصیف اوضاع سیاسی، فرهنگی و ادبی عصر سامانی، زندگی رودکی و هنر اوست که ۱۰۹ صفحه از ۱۸۴ صفحه این کتاب را به خود اختصاص داده است. از امتیازات دیگر این شرح، تشخیص صحیح درباره ابیاتی است که بسیاری از شارحان در ضبط و توضیح آن به خطا رفته‌اند؛ چنان‌که در خصوص ضبط «چشمش» به جای «چشم» در بیت ذیل مشاهده می‌شود:

بسا نگار که حیران بدی بدو در چشم به روی او در چشمش همیشه حیران بود
(امامی، ۱۳۹۰: ۱۱۵ و ۱۱۹)

همچنین درباره سحای نامه (به معنی مُهر نامه) در بیت زیر به چشم می آید:

هزار بوسه دهم بر سحای نامه تو اگر ببینم بر مُهر او نگین تو را
(امامی، ۱۳۹۰: ۱۳۱ و ۱۳۵)

البته شارح در مواردی نیز به تکلف افتاده و برخی از واژگان بیت را به گونه ای معنی کرده که چندان مستعمل نبوده است؛ چنان که ضبط «دانش» را بر «کنش» در بیت زیر ترجیح داده و در شرح آن نوشته است:

دانش او نه خوب و چهرش خوب زشت کردار و خوب دیدار است
(امامی، ۱۳۹۰: ۱۲۲)

دانش: خصلت و خوی، از مصدر دانستن به معنی توانستن، قابلیت داشتن (امامی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). جمیله اخیانی در نقد خود بر کتاب مذکور به این گزینش نادرست نسخه در خصوص بیت فوق اشاره کرده است که در اینجا از تطویل پرهیز می کنیم (ر.ک.: اخیانی، ۱۳۹۳: ۱۵). نصرالله امامی همچنین در بیت زیر، ضبط «وشان» (به معنی و ایشان را!) را بر «توشان» (به معنی تو ایشان را) ترجیح داده و نوشته است:

وشان زیر زمین فرسوده کرده زمین داده بر ایشان بر زغارا
(امامی، ۱۳۹۰: ۱۳۱)

وشان: و ایشان را؛ زغار: سختی، رنج، محنت؛ معنی بیت: ای جهان! تو ایشان را در زیر زمین فرسوده کرده ای و زمین، ایشان را به محنت و سختی انداخته است (امامی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). چنان که می بینیم هر چند نصرالله امامی در توضیح معنای نهایی بیت همچون دیگران عمل کرده است، اما توضیح «وشان» از سوی او بسیار متکلفانه به نظر می رسد.

امامی در جای دیگری واژه جان توز را به معنی «آنچه در روح اثر می کند» در نظر گرفته و در توضیح بیت نوشته است:

از آن جان توز لختی خون رز ده سپرده زیر پای اندر سپارا
(امامی، ۱۳۹۰: ۱۳۱)

جان توز خون رز: شرابی که بر جان و روح اثر می کند (امامی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). در حالی که در معانی واژه توختن در لغت نامه هیچ جا اثر گذاشتن نیامده است (ر.ک.: دهخدا، ذیل «توختن») و جان توز به معنی جان خواه (شرابی که جان انسان آن را آرزو می کند یا شرابی که جان انسان را می ستاند) صحیح تر به نظر می رسد.

همچنین به نظر می رسد نصرالله امامی هر چند سعی کرده که به ضبط صحیح ابیات نزدیک تر شود، اما همچون اکثر شارحان اشعار رودکی در مواردی دچار لغزش شده است؛

چنان‌که در بیت زیر اگر «چ» را «ج» (به معنی چو یا مانند) بخوانیم مفهوم بیت روشن می‌شود:

وگرچه خامش مردم که شعر باید گفت زبان من به روی گردد آفرین تو را
(امامی، ۱۳۹۰: ۱۳۲)

و در صورتی که «چو خامش مرد» بخوانیم، معنای بیت می‌شود: من اگرچه، همچون مرد گنگی هستم که باید شعر بگویم، با این همه وقتی به روی قافیه بیت نزدیک می‌شوم، زبان من به آفرین تو می‌گردد و این واژه قافیه را ادا می‌کنم.

امامی همچنین در مواردی برداشتی مجازی و استعاری از برخی واژه‌های ابیات ارائه داده که تصوّر معانی مجازی برای آن‌ها دور از سیاق معنای ابیات است؛ چنان‌که درباره «برزن ناراه» در بیت زیر نوشته است:

یکی زین برزن ناراه بر شو که بر آتش نشانی برزنی را
(امامی، ۱۳۹۰)

برزن ناراه: کوچۀ بیراهه، مجازاً روش نادرست و در نهایت ناسازگاری نسبت به عاشق (امامی، ۱۳۹۰: ۱۳۶). چنان‌که می‌بینیم معنای بیت با همان کوچۀ بیراهه یا بن بست روشن است و تحمیل چنان معنای بعیدی به بیت وجهی ندارد.

علاوه بر این وی در توضیح مصراع «چونان حصاری‌ای که گذر دارد از رقیب» مرتکب اشتباه اغلب شارحان شده و از عبور زندانی بر زندانبان سخن گفته نه از گذر زندانبان بر زندانی (ر.ک.: امامی، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

با توجه به نکات ذکر شده، شرح نصرالله امامی هرچند مشتمل بر ابیات زیادی از رودکی نیست، اما با توجه به مقدمه مفصّل و معایب کم، جزء بهترین شروح اشعار رودکی به حساب می‌آید. باید توجه داشت بهترین گزیده از اشعار شاعران گذشته، آن است که ضمن انتخاب مشهورترین اشعار و زیباترین آن‌ها و نیز شاخص‌ترین ابیات از نگاه سبک‌شناسی، مشکلات ابیات را متناسب با مخاطب مرتفع سازد و از کم‌گویی و زیاده‌گویی پرهیز کند. در کتاب مذکور این انتخاب‌ها ظاهراً مناسب بوده، اما اختصار در ذکر ابیات و اطناب در توضیحات گاه شرح را کسل‌کننده کرده است. علاوه بر این نارسایی در توضیح برخی از ابیات و اغلاط فاحش مطبعی هم از دیگر نقاط ضعف مهم این کتاب است که دانشجویان جدیدالورود دانشگاه‌ها را معمولاً با سردرگمی مواجه می‌کند (ر.ک.: اخیانی، ۱۳۹۳: ۱۴).

۴. برگزیده اشعار رودکی و منوچهری، اثر اسماعیل حاکمی

این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۷۱ از سوی انتشارات اساطیر روانه بازار شده و به قصد تدریس درسی با همین عنوان در رشته زبان و ادبیات فارسی گردآوری شده است. متأسفانه مؤلف نامدار این کتاب تقریباً جز پیشگفتاری کوتاه هیچ چیز از خود در کتاب درج نکرده است (ر.ک.: حاکمی، ۱۳۹۰، پیشگفتار: ۹). وی پس از ذکر بخشی از کتاب با *کاروان حله* دکتر زرین کوب در معرفی رودکی، بدون ذکر مأخذ همه توضیحات کتاب *گزیده شعر رودکی خلیل خطیب رهبر* را عیناً و مو به مو نقل کرده است و کتاب او با اثر مرحوم خطیب رهبر هیچ تفاوتی ندارد البته گویا مؤلف اجازه شفاهی از مرحوم خطیب رهبر در این کار داشته است (ر.ک.: حاکمی، ۱۳۶۹: ۱۷۳)، با این همه چنین کاری آن هم بدون هیچ ذکری از نام مؤلف اصلی، قابل توجیه نیست. راجع به این اثر هیچ چیز نمی توان گفت جز آنچه درباره گزیده شعر رودکی اثر خطیب رهبر گفتیم. البته در مقاله ای محاسن و کاستی های این کتاب (که البته مربوط به خودش نیست) به صورت جداگانه بررسی شده است (ر.ک.: گیتی فروز، ۱۳۹۲: ۸۷-۹۰).

۵. بهترین رودکی همراه با اشعار نویافته، اثر محمدعلی سپانلو

این گزیده به دست یکی از شاعران کشور، محمدعلی سپانلو تدوین شده است. سپانلو در مقدمه کتاب، علت نگارش آن را دست یافتن به ابیاتی تازه از رودکی عنوان کرده است، ابیاتی که در هیچ یک از نسخه های چاپی دیوان رودکی موجود نبوده است. البته گویا در این زمینه دقت کافی به عمل نیاورده، زیرا تعدادی از این ابیات در مقاله «اشعار تازه رودکی» از علی اشرف صادقی آمده است (ر.ک.: صادقی، ۱۳۷۲: ۷) و عارف نوشاهی نیز در اسفند ۸۹ ضمن انتشار مقاله ای در کتاب *ماه ادبیات* از ۹ بیت تازه یافته رودکی یاد کرده که تعدادی از آن ها هم با ابیات مقاله صادقی یکسان است (ر.ک.: نوشاهی، ۱۳۸۹: ۳۲) و هم در اثر سپانلو مشاهده می گردد (ر.ک.: سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۵۳) و گویا نوشاهی و سپانلو هیچ یک در هنگام نگارش اثر خود به مقاله «اشعار تازه رودکی» از علی اشرف صادقی (۱۳۷۲) نظر نداشته اند. به هر حال بسیاری از ابیات ذکر شده در کتاب *بهترین رودکی*، برای نخستین بار از سوی سپانلو معرفی شده، چنان که وی در مقدمه نوشته است: «هنگام مطالعه متون و مقالات گوناگون، گه گاه به ابیاتی برمی خوردم نامبردار از رودکی که گمان می بردم در کامل ترین دیوان چاپی او، یادگار استاد بی همتا، سعید نفیسی، به دیده ام نیامده است و چون به آن کتاب از نو می نگریستم، درمی یافتم که در بسیار موارد بیراه نرفته ام، پس آن بیت ها را به حاشیه

کتاب چاپی می‌افزودم» (سپانلو، ۱۳۹۰، مقدمه: ۹). بنابراین نویسنده با توجه به وزن و قافیه، ابیات نویافته را به شکل برجسته در میان شعر احتمالی گنجانده است که در بسیاری از موارد نیز این گنجاندن ذوقی نبوده و بر مبنای سند اخذ شده، صورت گرفته است.

از مزایای دیگر این کتاب به گزین کردن ابیات رودکی از منظر نگاه زیباشناس یک شاعر معاصر است؛ ابیاتی که حذف برخی از آن‌ها جز کنار گذاشتن شاهدهی برای یک لغت مهجور نیست. البته باید توجه داشت که این ویژگی در صورتی حُسن تلقی می‌گردد که مخاطب دانشجویان جدید ورود رشته ادبیات فارسی، جوانان شاعر و اهل ذوق فرض شوند و یقیناً برای دانشجویان باتجربه و علاقه‌مند به مباحث نسخه‌شناسی، فرهنگ پژوهی و زبان‌شناسی، عیب نیز محسوب می‌گردد. همچنین سپانلو در مقدمه کتاب به برخی از تصحیحات ذوقی خود در پاره‌ای از ابیات اشاره کرده که هرچند از روش علمی به دور است، اما برخی از آن‌ها حقیقتاً راهی به دهی می‌برد (ر.ک.: سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۴ و ۱۵). از دیگر کارهای ذوقی این نویسنده در یک شعر قرار دادن ابیاتی است که از نظر وزن و محتوا با هم همخوانی داشته‌اند که این کار هم هرچند در مواردی موجب بازسازی احتمالی برخی از اشعار رودکی گشته، اما روشی علمی محسوب نمی‌شود.

علاوه بر این می‌توان چاپ منقح و جوان پسند این کتاب، همراه با انتخاب عنوان برای تک‌بیت‌ها را از دیگر خوش ذوقی‌های مؤلف به حساب آورد. هرچند این جوان‌پسندی سبب شده است که وی از ارائه نسخه بدل خودداری کند.

به طور کلی مؤلف این اثر جز معنا کردن لغات بسیار دشوار، در پاورقی توضیح دیگری به ابیات نیفزوده تا ارزش هنری شعر را زیر سؤال نبرد.

البته از سوی دیگر سپانلو هم در ضبط برخی ابیات و هم در توضیح اندک برخی واژگان دچار لغزش شده است؛ چنان‌که در بیت زیر واژه «خنور» به معنی ظرف و آوند خانه (ر.ک.: نفیسی، ۱۳۴۱، واژه‌نامه: ۵۵۷) را «غرش» معنا کرده است:

گیتی چو گاو نیک دهد شیر مر تو را خود باز بشکنند به کرانه، خنور شیر
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۱۰۴)

یا اینکه زغار به معنی «رنج و محنت» و حتی «نمناکی و رطوبت» (ر.ک.: شعار و انوری، ۱۳۸۹: ۱۳۲) را همانند نفیسی «نان ارزان بی کیفیت» معنی کرده است:

تو شان زیر زمین فرسوده کردی زمین داده بر ایشان بر زغار
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۲۴)

او در بیت زیر واژه «خنب» را هم به تبع نفیسی «خمره» معنی کرده که تناسبی با «خَن» ندارد:

این عجب‌تر که می‌ندانند او شِعْر از شَعْر و خُنْب را از خَن
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

که خنب به معنی اتاق و صَفَه تناسب بیشتری با معنی بیت دارد (ر.ک.: رودکی، ۱۳۹۱، توضیحات احمدنژاد: ۱۳۷).

وی همچنین ضبط غلط نفیسی را در برخی ابیات حفظ کرده (ر.ک.: نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۳) و در توضیح آن به بیراهه رفته است؛ چنان که بیت زیر را این گونه ثبت کرده است:

گیردی آب جوی رز پن‌دام چون بود بسته بنک راه ز خس
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۱۱)

وی در توضیح «بنک» نوشته است: «اگر بنک معنایی شبیه به بند و مانع داشته باشد، استعاره جوی شراب که بر اثر خس و خاشاک راه آب گیر کردن، منجلاّب بسازد، با ابیات بالاتر تناسب پیدا می‌کند» (ر.ک.: سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۱). چنان که می‌بینیم اگر مطابق ضبط بسیاری از شارحان (برای مثال رجوع کنید به: رودکی، ۱۳۹۱: ۵۷)، این واژه را تصحیف «نیک» (در معنی کامل) بخوانیم، اشکال بیت به طور کلی مرتفع می‌شود.

سپانلو همچنین در بیت زیر ضبط نادرست نفیسی، یعنی «پیخته زفتن» را برگزیده و در معنی کردن آن هم به تکلفی عجیب افتاده است:

هست بر خواجه پیخته زفتن راست چون بر درخت پیچد سن
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

پیخته: احتمالاً بیخته است و معنای مصرع این فتنه‌ها مثل آفت درخت بر او غربال شده است (سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۳۰). در صورتی که «زفتن» در بیت فوق تصحیف «رفتن» و پیخته به معنی پیچیده است و روی هم رفته این عبارت به معنی ناهموار و نامتعادل راه رفتن است و به این همه دورپروازی نیازی ندارد (ر.ک.: رودکی، ۱۳۹۱، توضیحات احمدنژاد: ۱۳۷).

علاوه بر این وی ضبط نادرست نفیسی را در برخی ابیات مانند بیت زیر تغییری ناروا داده و در معنی کردن آن هم به تأویلات عجیب و غریب گرفتار شده است؛ چنان که نوشته:

چو پوست روبه بینی به خان واتگران بدان که: تهمت او دنبه‌ی به سرکار است
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۴۵)

«معنای بیت مبهم است: در صورتی که «سرکار» به شیوه چند سده اخیر می‌توانست معادل «رئیس» یا «حضرت‌عالی» به کار رود، ممکن بود با تهمت یا نهمت (مقصود و سهم) معنایی برای این بیت پیشنهاد کرد، ولی خبر ندارم در یازده قرن پیش «سرکار» همین معنای گاه طنزآمیز امروزی را می‌داده است یا خیر؟» (سپانلو، ۱۳۹۰: ۴۵). در مورد فوق هر چند کوشش‌های سپانلو او را به معنی اصلی بیت نزدیک کرده، اما غلط خوانیِ واژه «سرکار» او را به بیراهه کشانده است، زیرا حقیقت این است که این واژه در عصر رودکی کاربرد امروزی نداشته و درست آن «شدکار» به معنی زمین زراعتی شیاردار است (ر.ک.: نفیسی، ۱۳۴۱، واژه نامه: ۵۶۱) و به جای «تهمت» هم باید واژه «نهمت» را قرار داد و معنای نهایی بیت این گونه می‌شود: «هرگاه پوست روباه را در خانه پوستین‌دوز دیدی، بدان که منتهای آرزوی این روباه دست یافتن به دنبه‌ای بی‌ارزش در مزرعه‌ای بوده، اما پوستین‌دوز حال گرسنگی او را درک نکرده و شکارش نموده است».

در مواردی نیز سپانلو خوانشی ذوقی را از بیتی برگزیده؛ چنان که در بیت زیر واژه نخست را «ملک» و واژه بعد را «ملکی» خوانده است:

آن مَلِک با مَلِکی رفت باز زنده کنون شد که تو گویی بمرد
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۵۹)

و شاید بتوان تا حدودی نیز آن را پذیرفت، بدین معنا که روح که به پادشاه (خداوند) تعلق داشت به عالم ملکوت (فرشتگان) منتقل شد، هر چند که مطابق برداشت هیچ یک از شارحان دیگر نیست.

سپانلو نیز در مواردی اشتباهات سعید نفیسی در ضبط ابیات را تکرار کرده است؛ چنان که دوبیت زیر را - که مشخصاً در موضوع آمدن بهار است و سنخیتی با ابیات قبل از آن (در موضوع آمدن مهرگان) ندارد - در انتهای شعر رودکی با مطلع «ملکا جشن مهرگان آمد» گنجانده است:

گل دگر ره به گلستان آمد واره باغ و بوستان آمد
وار آذر گذشت و شعله آن شعله لاله را زمان آمد
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۶۳)

وی در ضبط برخی دیگر از ابیات نیز کاملاً مشابه نفیسی عمل کرده در حالی که قرائن زیباشناختی به وضوح از اشتباه نفیسی حکایت می‌کند؛ مثلاً در بیت ذیل اگر به جای واو عطف میان واژگان «صوت» و «نوا»، کسره اضافه بگذاریم، هم قرینه‌سازی حاصل می‌شود و هم معنا (صوتِ نوا - صدای آواز) دقیق‌تر می‌گردد:

به صوت و نوا و به صیتِ معانی طرب‌بخشِ روحم، فرحزایِ جانم
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

همچنین ضبط سپانلو مانند ضبط نفیسی در پاره‌ای از موارد خالی از اشکال وزنی نیست، برای مثال:

قند جدا کن از وی، دور شو از زهر دند هرچه به آخر بهست جان تو را، آن پسند
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۶۸)

چنان که می‌بینیم یا باید مصراع نخست را «قند جدا کن از وی ...» (مخفف از اوی) خواند یا باید آن را «قند جدا کن ز وی» در نظر گرفت تا وزن مصراع نخست درست گردد که البته حالت اول مطابق نسخه و صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

سپانلو در موارد دیگری نیز به خوانشی ذوقی و نزدیک به نسخه نفیسی دست زده، چنان که واژه «مردمی» را در بیت زیر این گونه خوانده است:

می آرد شرف مردمی پدید آزاده نـژاد از درم خریـد
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۸۱)

که برخی دیگر از پژوهشگران با استدلال‌های فراوان مصراع نخست را «می آرد شرف مرد، می پدید» خوانده و «می» را جدا شده از فعل «آرد» (و به معنی می شرف مرد را پدید می‌آرد) در نظر گرفته‌اند (ر.ک.: صباغی و حیدری، ۱۳۹۴: ۲۱-۳۲).

او همچنین مصراع «رگ که با پیشیار بنمایی» را بدین گونه خوانده و «پیشیار» را خدمتکار معنی کرده (ر.ک.: سپانلو، ۱۳۹۰: ۸۹) که پیشنهاد او نیز مانند پیشنهاد شارحان دیگر ابهام معنای این بیت و ارتباط طولی‌اش با ابیات قبل را مرتفع نمی‌سازد.

همچنین واژه مبهم پایانی بیت زیر را «به اندام» ضبط کرده و البته خودش هم اذعان داشته است که وزن بیت در هر صورت مغشوش است:

هلا! رودکی، از کس اندر متاب بکن هر چه کردنیست به اندام
(سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۲۲)

چنان که می‌بینیم چاپ سپانلو هر چند که امروزی‌تر از چاپ‌های دیگر است و ابیات نویافته رودکی را نیز در بردارد، اما اغلب اشتباهات نفیسی نیز در آن دیده می‌شود و برداشت‌ها و تأویلات ذوقی هم صحت علمی آن را خدشه‌دار ساخته است. اگرچه خواندن این کتاب برای عموم اهل ادب و کسانی که به دنبال نگاه ذوقی و جمال‌شناختی به متون کهن هستند، بسیار مفید است، اما نداشتن مقدمه مناسب در معرفی شاعر و زمانه او، کم‌بودن توضیحات و تعلیقات بر ابیات دشوار و نگرش ذوقی به نسخه‌های خطی و چاپی دیوان رودکی از

معایب بسیار مهم این کتاب محسوب می‌شود که وجه آموزشی آن را برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی کم‌رنگ می‌سازد.

۶. پیشگامان شعر فارسی، اثر نصرالله امامی

این کتاب مطابق سرفصل‌های جدید وزارت علوم و فناوری برای دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی طراحی شده و بخشی از آن هم به رودکی اختصاص یافته که البته بسیار مختصر است و تقریباً خلاصه‌ای از ابیات کتاب *استاد شاعران، رودکی*، اثر نصرالله امامی است. ضبط بیت‌ها در این دو کتاب کاملاً یکسان است، البته نویسنده سعی کرده است که متن توضیحاتش در این کتاب با توضیحات کتاب *استاد شاعران، رودکی*، کاملاً یکسان نباشد و از مترادفات دیگری برای شرح بهره‌برد. با این همه کلیت استنباط‌های وی از ابیات در هر دو کتاب کاملاً یکسان است و لذا اشتباهات آن اثر در این قسمت هم تکرار شده است؛ برای مثال به این بیت بنگرید:

خورشید را ز ابر دمد روی، گاه گاه
چونان حصاری‌ای که گذر دارد از رقیب
(امامی، ۱۳۹۰: ۱۳۷)

شرح امامی بر این بیت در کتاب *استاد شاعران، رودکی*: «خورشید را ز ابر دمد روی: روی خورشید از زیر ابر می‌دمد («را» برای فک اضافه آمده است)؛ خورشید را ... روی: روی خورشید؛ گاه گاه: نقش قید زمان دارد برای فعل دمد (=دمیدن، ظاهر شدن)؛ حصاری: زندانی، کسی که در زندان یا حصار گرفتار باشد؛ رقیب: مراقب، نگهبان و معنی مصراع دوم: مانند مردی زندانی که با خوف و احتیاط قصد دارد از مقابل نگهبان خود بگریزد (امامی، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

شرح امامی بر این بیت در کتاب *پیشگامان شعر فارسی: خورشید ... روی: چهره خورشید؛ دمد: پدیدار شود؛ حصاری: کسی که در حصار و زندان گرفتار است؛ حصار: قلعه و در قدیم زندانیان را در قلعه محبوس می‌کردند؛ رقیب: مراقب، نگهبان؛ خورشید را که گاه به آرامی از زیر ابر بیرون می‌آید، به مردی زندانی مانند کرده است که با ترس و هراس و دزدانه از مقابل نگهبان می‌گریزد (امامی، ۱۳۹۴: ۱۰۷).*

چنان‌که می‌بینیم در شرح نخست، توضیح «را» برای فک اضافه به عنوان نکته‌ای دستوری ملاحظه می‌شود که در شرح دوم جهت تلخیص حذف شده و به جای آن واژه حصار و رسم زندانی کردن در قلعه توضیح داده شده است. با این همه توضیح نهایی بیت یعنی عبور زندانی مقابل زندانبان اشتباه بیان شده و چنان‌که پیش‌تر گفتیم گذر داشتن

حصاری از رقیب به معنی عبور زندانبان در برابر زندانی است. این نمونه‌ای از تفاوت‌های میان این دو کتاب است و البته مقدمه مفصل کتاب استاد شاعران، رودکی طبعاً در کتاب پیشگامان شعر فارسی دیده نمی‌شود. کتاب مذکور به دلیل پرداختن به پیشگامان شعر فارسی به طور کلی، بسیاری از امتیازات کتاب استاد شاعران رودکی را نیز از دست داده است. هرچند به جهت فقدان منابع متناسب با درسی ۲ واحدی به نام «پیشگامان نظم فارسی» این کتاب برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی توصیه می‌شود، اما باید توجه داشت که مطالب این کتاب سطحی و کم عمق است و امید است مؤلف در چاپ‌های آینده تفصیل بیشتری به ابیات انتخاب شده و عمق بیشتری به مقدمه و شرح خود ببخشد و نیز می‌توان منتظر کتاب‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر از سوی مؤلفان فاضل دانشگاه‌های کشور در زمینه سرفصل‌های جدید وزارت علوم و فناوری در خصوص دروس رشته زبان و ادبیات فارسی بود.

نتیجه‌گیری

چنان‌که دیدیم با وجود ارائه چند نسخه چاپی از دیوان رودکی، می‌توان اذعان داشت که هنوز در ایران دیوان پیراسته و بی‌نقصی از اشعار وی همراه با توضیحات کافی و دقیق عرضه نشده است. هرچند زحمات سعید نفیسی به عنوان اولین و اصلی‌ترین گردآورنده اشعار رودکی بسیار قابل ستایش است، اما نقص‌های عمده‌ای در ضبط اشعار در نسخه نفیسی وجود دارد که بسیاری از آن‌ها در کارهای دیگران هم راه یافته است. چاپ‌های دیگر از جعفر شعار، منوچهر دانش‌پژوه، نصرالله امامی و کامل احمدنژاد نیز از بسیاری جهات مزایایی دارد و معایب فراوانی نیز در آن‌ها مشاهده می‌شود، با این همه شرح و توضیح کامل احمدنژاد اکنون از نسخه‌های دیگر کامل‌تر به نظر می‌آید.

در میان گزیده‌های فراهم شده از اشعار رودکی نیز می‌توان به چند گزیده برتر اشاره کرد، هرچند اغلب آن‌ها مزایایی دارند که اگر در یک کتاب جمع شود به بهترین گزیده شعر رودکی تبدیل خواهد شد. نخستین گزیده منتخب در این زمینه گزیده سخن پارسی رودکی به کوشش خلیل خطیب‌رهبر است که با وجود اختصار و توضیحات سخت‌تر از متن و پرداختن به بسیاری مشکلات ابیات، هنوز از بهترین گزیده‌ها محسوب می‌شود تا جایی که قسمت رودکی در کتاب برگزیده اشعار رودکی و منوچهری اثر دکتر اسماعیل حاکمی کاملاً و عیناً وام‌گرفته شده از این کتاب است. از دیگر گزیده‌های مقبول اشعار رودکی می‌توان به کار مشترک جعفر شعار و حسن انوری اشاره کرد که با مقدمه

کامل، دسته‌بندی جدید و توضیحات نسبتاً دقیقی آراسته شده است، هر چند اشتباهات فاحشی نیز در آن مشاهده می‌شود. کتاب *استاد شاعران*، رودکی اثر نصرالله امامی نیز جزء گزیده‌های ارزنده اشعار رودکی محسوب می‌شود که به دلیل مقدمه عالی و توضیحات مفید از بهترین منابع برای استفاده دانشجویان به حساب می‌آید و بخش رودکی در کتاب *پیشگامان شعر فارسی* اثر همین مؤلف هم که برای سرفصل‌های جدید رشته زبان و ادبیات فارسی در دوره کارشناسی تهیه شده به نوعی فشرده شده و روایت دیگری از همین کتاب محسوب می‌شود که بسیار مختصر و ضعیف شده است. از میان گزیده‌های دیگر می‌توان به کتاب *بهترین رودکی*، همراه با *اشعار نویافته* اثر محمدعلی سپانلو اشاره کرد که هر چند بیشتر ضبط سعید نفیسی همراه با نگاه ذوقی مؤلف در آن مشاهده می‌شود، به دلیل ثبت اشعار نویافته رودکی قابل ملاحظه به حساب می‌آید.

منابع

- ابومحجوب، احمد (شهریور ۱۳۸۷). «رودکی احیاگر فرهنگ و زبان فارسی»، کتاب *ماه ادبیات*، شماره ۱۳۱، ص ۲۶-۳۱.
- اخسانی، جمیله (فروردین ۱۳۹۳). «نگاهی به کتاب استاد شاعران رودکی»، کتاب *ماه*، شماره ۸۴، ص ۱۹-۱۴.
- ارشادسرابی، اصغر (۱۳۷۰). «بینش باز یافته از رودکی (در خلال تفسیر ابوالفتح رازی)»، *مجله مشکوة*، شماره ۳۱، تابستان، ص ۱۴۶-۱۵۳.
- اسپرهم، داود (بهار ۱۳۸۸). «موسیقی و خوانش اشعار رودکی»، *متن پژوهی ادبی*، شماره ۳۹، ص ۱۰۷-۱۳۰.
- امامی، نصرالله (۱۳۹۴). *پیشگامان شعر فارسی*، تهران: جامی.
- آذر، اسماعیل (تابستان ۱۳۸۸). «رودکی و چاوسر»، *فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی*، سال سوم، شماره ۳۲۱۰، ص ۱۳-۴۴.
- بهنام، مینا (شهریور ۱۳۸۷). «حکم و اندرز در دیوان رودکی»، *مجله کتاب ماه ادبیات*، شماره ۱۳۱، شهریور، ص ۵۴-۵۷.
- توکل، حمیدرضا (۱۳۸۷). «رودکی پیشاهنگ فردوسی»، *مجله هنر*، شماره ۷۶، ص ۲۲-۶۶.
- حاکمی، اسماعیل (مرداد ۱۳۶۹). «نقد کتاب: پاسخی به یک نقد»، *مجله کلک*، شماره ۵، ص ۱۷۳-۱۸۰.
- حائری، هادی (فروردین ۱۳۳۸). «بحثی در اشعار و افکار رودکی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال ششم، شماره ۳ و ۴، ص ۴۹-۵۴.
- حقوقی، عسکر (فروردین ۱۳۳۸). «لغات و ترکیبات رودکی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال ششم، شماره ۳ و ۴، ص ۱۱۷-۱۷۰.
- خیرخواه، سعید (مرداد ۱۳۸۵). «درنگی در یک بیت از رودکی»، *مجله حافظ*، شماره ۳۳، ص ۵۹-۶۱.

- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۳۴). «رودکی و سندبادنامه»، مجله یغما، شماره ۸۷، ص ۳۲۰-۳۲۴.
- نقیسی، سعید (۱۳۴۱). محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، ۳ جلد، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- رودکی، ابوعبدالله جعفر بن محمد (۱۳۷۶). دیوان رودکی سمرقندی، بر اساس نسخه سعید نقیسی و ی. براگینسکی، چاپ ۲، تهران: نگاه.
- رودکی، ابوعبدالله جعفر بن محمد (۱۳۸۳). دیوان رودکی، شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه، چاپ ۲، تهران: توس.
- رودکی، ابوعبدالله جعفر بن محمد (۱۳۸۷). دیوان رودکی، با تصحیح و توضیح نصرالله امامی، چاپ ۲، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۸۸). گزیده سخن پارسی ۲ رودکی، چاپ ۲۵، تهران: صفی علیشاه.
- شعار، جعفر و حسن انوری (۱۳۸۹). گزیده اشعار رودکی، چاپ ۱۰، تهران: امیرکبیر.
- امامی، نصرالله (۱۳۹۰). استاد شاعران رودکی (شرح حال و گزیده اشعار)، چاپ ۹، تهران: جامی.
- حاکمی، اسماعیل (۱۳۹۰). برگزیده اشعار رودکی و منوچهری، چاپ ۱۱، اساطیر.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۹۰). بهترین رودکی همراه با اشعار نویافته، تهران: چشمه.
- رودکی، ابوعبدالله جعفر بن محمد (۱۳۹۱). دیوان رودکی، با توضیح و نقد و تحلیل دکتر کامل احمدنژاد، تهران: کتاب آمه.
- رودکی، ابوعبدالله جعفر بن محمد (۱۳۹۲). دیوان شعر رودکی، با شرح و توضیح، تصحیح و شرح جعفر شعار، چاپ ۶، تهران: قطره.
- زرین کوب، حمید (بهار ۱۳۵۵). «عناصر بدیعی در شعر رودکی»، جستارهای ادبی، شماره ۴۵، ص ۱۱۶-۱۰۵.
- ساکي، محمدرضا و محمد گودرزی (تابستان ۱۳۸۸). «تحلیل و بررسی تطبیقی زندگی و مرگ از دیدگاه رودکی و متنبی»، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۲۲۱۰، ص ۱۳۵-۱۵۶.
- سایه، ه.ا. (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶). «پند رودکی»، مجله بخارا، شماره ۶۰، ص ۹۴.
- شمیسا، سیروس (مرداد و شهریور ۱۳۸۷). «تورودکی را ای ماهر و کنون بینی»، مجله بخارا، شماره ۶۶، ص ۳۳۹-۳۴۱.
- شیلا، شهرزاد (بهمن ۱۳۸۵). «مفهوم کنایی بیتی از رودکی»، مجله رودکی، شماره ۱۱، ص ۱۸-۲۱.
- صادقی، علی اشرف (خرداد و تیر ۱۳۷۲). «اشعار تازه رودکی»، مجله نشر دانش، شماره ۷۶، ص ۶-۱۴.
- صبغی، علی و حسن حیدری (تابستان ۱۳۹۴). «مردمی یا مرد، می نقد و تحلیل بیتی از رودکی سمرقندی»، متن‌شناسی ادب فارسی، شماره ۲۶، ص ۲۱-۳۲.
- صورتگر، لطفعلی (بهار ۱۳۴۳). «به یاد رودکی»، مجله مهر، شماره ۱۰۵، ص ۲۹.
- طالبیان، یحیی (تابستان و پاییز ۱۳۸۲). «استعاره در شعر رودکی»، مجله فرهنگ، شماره ۴۶ و ۴۷، ص ۱۷۹-۱۹۰.
- فرزاد، مسعود (آبان ۱۳۴۹). «عروض رودکی»، مجله خرد و کوشش، شماره ۷، ص ۴۶۵-۴۹۸.
- فرزانفر، بدیع‌الزمان (فروردین ۱۳۳۸). «شعر و شاعری رودکی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ششم، شماره ۳ و ۴، ص ۹۳-۱۱۶.

- قاسمی گل‌افشانی، اکبر (خرداد ۱۳۸۵). «تأثیر سعدی از رودکی»، *ماهنامه حافظ*، شماره ۲۹، ص ۷۴-۷۵.
- قاسمی، مسعود (مهر ۱۳۸۸). «واژه‌ای کهن و ناشناخته در شعر رودکی»، *مجله فرهنگ‌نویسی*، شماره ۲، ص ۸۴-۸۸.
- گیتی فروز، علی محمد و ویدا کرامت (بهمن ۱۳۹۲). «نگاهی به کتاب رودکی و منوچهری»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۸۲، ص ۸۷-۹۰.
- محسنی‌نیا، ناصر و الهام مریمی (زمستان ۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی حکمت و خرد در اشعار امروالقیس و رودکی»، *مطالعات ادبیات تطبیقی*، شماره ۲۰، ص ۱۱۷-۱۳۷.
- مشتاق‌مهر، رحمان (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «مضامین عاطفی و حکمت‌آمیز در شعر رودکی و خیام»، *پژوهش‌نامه ادب غنایی*، شماره ۱۶، ص ۱۵۱-۱۷۴.
- مشکی، فاطمه (بهار ۱۳۹۳). «ادبیات تعلیمی در اندیشه رودکی و بشار»، *فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی*، شماره ۲۹، ص ۷-۲۲.
- معین، محمد (۱۳۳۸). «رودکی یا رودگی»، *مجله یغما*، شماره ۱۳۰، ص ۵۳-۵۵.
- منصور، جهانگیر (شهریور ۱۳۸۷). «تنوع موضوعات در اشعار رودکی»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۱۳۱.
- میرزا ملا احمد (شهریور ۱۳۸۷). «کتاب شناسی آثار رودکی»، ترجمه مرتضی رزم آرا، *مجله کتاب ماه ادبیات*، شماره ۱۳۱، ص ۵۲-۵۳.
- مینوی، مجتبی (۱۳۳۶). «داستان کلیله و دمنه رودکی»، *مجله فرهنگ ایران زمین*، شماره ۵، ص ۲۶۵-۲۷۸.
- نجاریان، محمدرضا و محمد کاظم کهدویی (تابستان ۱۳۹۰). «نگاه شاعرانه رودکی و ابونواس به خمریات»، *فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی*، شماره ۴، ص ۲۵۹-۲۸۰.
- نقیسی، سعید (فروردین ۱۳۳۸). «چند نکته تازه درباره رودکی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال ششم، شماره ۳ و ۴، ص ۲۱-۳۹.
- نوربخش، مریم (شهریور ۱۳۸۷). «نگاهی به منابع و مآخذ پژوهشی درباره رودکی»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۱۷، پیاپی ۱۳۰، ص ۹۵-۱۰۵.
- نوشاهی، عارف (اسفند ۱۳۸۹). «اشعار نویافته رودکی سمرقندی بر اساس دو متن کهن فارسی»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۴۷، پیاپی ۱۶۱، ص ۳۰-۳۲.
- وحیدیان کامیار، تقی (پاییز و زمستان ۱۳۸۳). «آیا رودکی سراینده تمام کلیله و دمنه است؟»، *مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد*، شماره ۳ و ۴، ص ۲۶-۴۰.
- همایون‌نورد، محمدصادق (۱۳۶۵). *کتاب‌شناسی رودکی*، تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی.
- همائی، جلال‌الدین (فروردین ۱۳۳۸). «رودکی و اختراع رباعی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال ششم، شماره ۳ و ۴، ص ۴۰-۴۸.
- یاری گل‌دره، سهیل (فروردین ۱۳۹۳). «نقد و بررسی دیوان اشعار رودکی»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۸۴، ص ۸-۱۳.
- یثربی، مهدی (تیر ۱۳۱۰). «انتقاد بر کتاب احوال و اشعار رودکی»، *مجله ارمغان*، شماره ۱۲۶، ص ۲۶۲-۲۷۰.